

زمینه کودتای ۲۸ مرداد

در ۲۹ خرداد ۱۳۳۰ پس از اجرایی شدن قانون ملی شدن نفت، حسین مکی به عنوان سخنگوی هیاتی که تاسیسات نفتی را در اختیار داشتند، نهایی شدن نهضت ملی نفت و در اختیار گرفتن دفاتر مرکزی شرکت نفت ایران- انگلیس را اعلام و در مراسمی نمادین شبیه به آیین‌های انتقال قدرت، پرچم ملی برافراشته شد.

به گزارش سایت خبری پرسون، محمدهادی جعفرپور وکیل دادگستری در یادداشتی نوشت: در ۲۹ خرداد ۱۳۳۰ پس از اجرایی شدن قانون ملی شدن نفت، حسین مکی به عنوان سخنگوی هیاتی که تاسیسات نفتی را در اختیار داشتند، نهایی شدن نهضت ملی نفت و در اختیار گرفتن دفاتر مرکزی شرکت نفت ایران- انگلیس را اعلام و در مراسمی نمادین شبیه به آیین‌های انتقال قدرت، پرچم ملی برافراشته شد، شخصیت‌های سیاسی و تاثیرگذار جهان از جمله جواهر لعل نهرو، اولازاروکارنداس رئیس‌جمهور مکزیک و... این پیروزی را به ملت ایران و مصدق شادباش گفتند. هیچ یک از حاضران و شاهدان این پیروزی تصور نمی‌کردند شعله‌های آتش بازی این جشن و سرور ممکن است روزی مقدمات سقوط دولتی را فراهم کند که آن روز پیروز میدان جنگ نفت لقب گرفته بود.

انگلیسی‌ها و آمریکایی‌ها که با ملی شدن نفت شاهد از بین رفتن بخش عمده‌ای از سرمایه و نفوذشان بر سیاست ایران بودند خیلی پیش‌تر از جشن پیروزی مصدق و همراهانش به فکر تلافی افتاده، نقشه‌ها و برنامه‌های متنوعی برای پایین کشیدن مصدق از عرصه قدرت داشتند از تحت فشار قراردادن شاه تا به کار گرفتن مزدوران داخلی و خارجی با هدف برهم زدن نظم و اساس دولت مصدق و صنعت نفت ایران. پس از ابلاغ نخست وزیری مصدق انتخابات مجلس هفدهم در دیماه ۱۳۳۲ دولت مصدق را با چالش‌ها و مشکلات عدیده‌ای روبه‌رو کرد، مذاکرات نفتی به بن‌بست خورده، بریتانیایی‌ها درصدد ائتلاف وقت بودند بلکه رأی دیوان بین‌المللی دادگستری به نفع آنها صادر شود، مجلس به تحریک سلطنت‌طلبان و حامیان شاه و مزدوران استعمار پیر و آمریکا حملات خود را به عملکرد دولت افزایش داده بود اما عموم مردم وفادار به مصدق در انتظار یک پیروزی دیگر به وی امید داشتند، از طرفی وی با قول و وعده‌هایش انتظارات را بالا برده بود و حالا به سختی می‌توانست با طرحی جز کنترل کامل بر صنعت نفت موافقت ملت را جلب کند. انگلیس هم که نگران آبروی امپراتوری خود بود به هیچ وجه نمی‌خواست ملی سازی نفت را به عنوان حق حاکمیت ملی ایران به رسمیت بشناسد در چنین شرایطی هرگونه عقب‌نشینی از سوی دکتر مصدق با انبوه مخالفانی مواجه می‌شد.

به‌رغم تمام چالش‌ها مرداد ۱۳۳۲ مصدق که به قدر کافی محبوبیت یافته بود موفق شد از مجلس رأی اعتماد بگیرد ۶۵ رأی موافق از سوی نمایندگان یعنی پشتیبانی مجلس، ده روز پس از رأی اعتماد، مصدق خواستار دیدار خصوصی با شاه راجع به منصب فرماندهی کل قوا برای نظارت بر تمامی ترفیعات و بازنشستگی‌ها و انتصابات نیروهای مسلح شد اما شاه ضمن مخالفت با پیشنهاد مصدق به وی گفت تو فقط نخست وزیری یعنی رئیس قوه مجریه هستی نه مسئول انتصابات نظامی. زمانی که شاه درخواست مصدق را نپذیرفت مصدق استعفای خود را تقدیم کرد و به خانه بازگشت برای لحظاتی همه تصور می‌کردند دوره نخست وزیری او همراه با امیدهای ملی سازی نفت به پایان رسیده، شاه که از این استعفا خرسند شده بود بلافاصله احمد قوام را به نخست وزیری منصوب کرد و بدین سان قوام پس از غیبت ۵ ساله دوباره به عرصه سیاست برگشت اما این اتفاق بیش از ۴ روز دوام نیاورد ۴ روز پس از آنکه قوام در ۲۶ تیر ۱۳۳۱ برمسند نخست وزیری نشست.

خبر آمد که دیوان بین‌المللی لاهه به نفع ایران حکم داده است گرچه در ۲۸ تیر مجلس به نخست وزیر جدید رأی اعتماد داده بود ولی نخست وزیری قوام با مقاومت خودجوش مردم مواجه شده بود راهپیمایی خیابانی سی تیر در پایتخت و سایر استان‌ها زود به خشونت کشید، درگیری با پلیس منجر به مرگ ده‌ها نفر و مجروحیت صدها نفر شد، سربازان و تانک‌هایی که در مناطق حساس پایتخت مستقر شده بودند به جماعت خشمگین شلیک می‌کردند. قیام ۳۰ تیر موجب شد تا قوام ۷۷ ساله در ۳۱ تیر استعفا داده شاه بلافاصله مصدق را به نخست وزیری منصوب و با انزجار فرماندهی کل قوا را نیز به وی سپرد.

پیروزی مصدق ضربه محکمی به امیدهای بریتانیا و آمریکا بود، اینان امید داشتند یک نخست وزیر سازشکار مانند قوام به جای مصدق بتواند زمینه کودتا یا اقدام نظامی مستقیم احتمالی را فراهم کند اما قیام ۳۰ تیر نمایشگر قدرت طبقات پایین و متوسط شهری در مقابل سیاست نخبگان بود. این پیروزی مصدق بود، مصدقی که حالا علاوه بر حمایت مجلس و مردم، با رأی صادره از دادگاه لاهه برگ برنده دیگری در دستانش داشت. حکم دیوان بین‌المللی دادگستری بر این موضوع که دیوان صلاحیت ورود به پرونده نفتی ایران- انگلستان را ندارد آب پاکی روی دستان بریتانیایی‌ها ریخته آنان را با مصدق روبه‌رو کرد که امتیازات بی‌سابقه‌ای را به دست آورده و در صدد است تا برنامه‌های اصلاحی دیگری غیر از ملی شدن نفت را عملی کند.

منبع: روزنامه آرمان ملی